

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اگرواکولوژی در سپهر پساتوسعه

اکولوژی سیاسی کشاورزی

عمر فلیپه خیرالدو

ترجمه:

دکتر علیرضا کوچکی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر عبدالمجید مهدوی دامغانی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حسین محمودی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

سرشناسه:	خیرالدو، عمر فلیپه	Giraldo, Omar Felipe
عنوان و نام پدیدآور:	اگرواکولوژی در سپهر پساتوسعه: اکولوژی سیاسی کشاورزی / عمر فلیپه خیرالدوله؛ ترجمه علیرضا کوچکی، عبدالمجید مهدوی دامغانی، حسین محمودی.	
مشخصات نشر:	مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۴۰۰.	
مشخصات ظاهری:	۲۰۸ ص.	
فروست:	انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۷۹۹.	
شابک:		ISBN: 978-964-386-492-7
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا.	
یادداشت:	عنوان اصلی:	Political Ecology of Agriculture : Agroecology and Post-Development, c2019
عنوان دیگر:	اکولوژی سیاسی کشاورزی	Environmental policy
موضوع:	سیاست محیط زیست	Environmental sociology
موضوع:	جامعه شناسی زیست محیطی	Conservation biology
موضوع:	زیست شناسی حفاظت	Ecology
موضوع:	بوم شناسی	Technology -- Sociological aspects
موضوع:	تکنولوژی -- جنبه های جامعه شناختی	Social justice
موضوع:	عدالت اجتماعی	Human rights
موضوع:	حقوق بشر	
شناسه افزوده:	کوچکی، علیرضا، ۱۳۲۶ - مترجم	
شناسه افزوده:	مهدوی دامغانی، عبدالمجید، ۱۳۵۵ - مترجم	
شناسه افزوده:	محمودی، حسین، ۱۳۵۵ - مترجم	
شناسه افزوده:	دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.	
رده بندی کنگره:	HC۷۹	
رده بندی دیویی:	۳۶۳/۷	
شماره کتاب شناسی ملی:	۸۴۰۴۲۵۴	

اگرواکولوژی در سپهر پساتوسعه: اکولوژی سیاسی کشاورزی

پدیدآورنده: عمر فلیپه خیرالدو
ترجمه: دکتر علیرضا کوچکی؛ دکتر عبدالمجید مهدوی دامغانی؛ دکتر حسین محمودی
ویراستار علمی: دکتر پرویز رضوانی مقدم
ویراستار ادبی: هانیه اسدپور فعال مشهد
مشخصات: وزیری، ۲۰۰ نسخه، چاپ اول، تابستان ۱۴۰۰
چاپ و صحافی: چاپخانه دقت
بها: ۵۰۰/۰۰۰ ریال
حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.

مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
مؤسسه کتابیران: تهران، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، بین خیابان فروردین و اردیبهشت،
شماره ۲۳۸، تلفن: ۶۶۴۹۴۴۰۹ - ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir



انتشارات
۷۹۹

اهدانامه مترجمان

اگر شرایط کنونی جهان کرونازده ما را به پذیرش فاصله گذاری اجتماعی وادار کرده است، از آن روست که ما به آموزه های اگرواکولوژی گوش فرانداده ایم که همگان را به فاصله برداری اجتماعی، نزدیکی جانها، پیوند دوباره میان طبیعت و فرهنگ، تعامل سازنده انسان ها با جامعه و آشتی دوباره با مفهوم جهان به مثابه یک اکوسیستم یکپارچه، فرامی خواند. نویسنده در جای جای این کتاب به خواننده یادآور می شود که کره زمین مادر همه ما انسان هاست.

ترجمه این کتاب با احترام و ادب به مادرمان، زمین، و همه مادران این سرزمین به ویژه مادران مترجمان، اهدا می شود.

مترجمان

press.um.ac.ir

فهرست مطالب

اهدانامه مترجمان.....	۳
مقدمه مترجمان.....	۷
جستار گشایی.....	۱۱
فصل ۱. کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی: بیابانی که فراخ تر می‌شود.....	۲۳
بهره‌کشی: عیان‌سازی نهان‌ها.....	۲۴
تفکر متافیزیکی و انقلاب سبز.....	۲۹
پیشرفت و توسعه: قطعیت‌های زودگذر کشاورزی سرمایه‌داری.....	۳۸
فصل ۲. عقلانیت اقتصادی کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی.....	۴۵
عقلانیت اقتصادی و کشاورزی.....	۴۶
بیش‌انباشت کشاورزی و پروژه توسعه.....	۵۳
پیامدهای زیست‌محیطی کالاشدگی کشاورزی و بازسازی کشاورزی سرمایه‌دارانه.....	۶۰
فصل ۳. کنترل سرزمینی و گسترش جغرافیایی کشاورزی تجاری.....	۶۷
بحران سرمایه‌داری و سلب مالکیت خشونت‌آمیز سرزمینی.....	۶۸
کشاورزان کشورهای جنوب: مهاجرت هستی‌شناختی و شناختی.....	۷۶
قلمروزدایی از انسان‌ها.....	۸۱
ایجاد و ازبین‌بردن خودمختاری.....	۸۳
کنترل ادا کردن صحیح کلمات.....	۹۱
کشاورزی تجاری و رانت زمین.....	۹۵
فصل ۴. دولت عواطف.....	۱۰۱
ایجاد پیوندهایی با مکان و ساخت سیاسی عواطف.....	۱۰۲
ایجاد کمبود و تولید آرزو.....	۱۰۸
احساسات در قبال پیشرفت کشاورزی صنعتی.....	۱۱۴

فصل ۵. اکرواکولوژی در دوران پساتوسعه..... ۱۲۱

فرایندهای اجتماعی اکرواکولوژی..... ۱۲۵

احیای فضاهای جامعه و اجتماعی کردن خرد بومی..... ۱۳۶

اکرواکولوژی و بی‌اعتباری سرمایه..... ۱۴۲

فصل ۶. سکونت دوباره در کره زمین با یاری اکرواکولوژی..... ۱۴۹

کشاورزی، تکامل همسو و رانش طبیعی..... ۱۵۰

حیات چیست؟ خودنوگری و اکرواکولوژی..... ۱۵۷

قانون دوم ترمودینامیک در اکرواکولوژی..... ۱۶۱

آفرینش‌گری: فن و فناوری..... ۱۶۸

فصل ۷. آینده، درست پشت سر ما..... ۱۷۳

احتمالات سبز شدن دوباره جهان..... ۱۷۸

دگرگونی‌های هستی‌شناختی، دگرگونی‌های معنوی..... ۱۸۵

منابع..... ۱۹۵

نمایه..... ۲۰۵

مقدمه مترجمان

اگر واکولوژی دانش مطالعه و کاربرد اصول و فرایندهای دانش اکولوژی در تولید محصولات کشاورزی است. اگر واکولوژی در قالب یک حوزه دانشی میان‌رشته‌ای نوین عمری بیش از چند دهه در مراکز دانشگاهی و اجرایی در سطح جهان ندارد. با این حال، اگر واکولوژی دانشی است که پیشینه آن به پیدایش کشاورزی بازمی‌گردد و «جامه کهنه است ز بزاز نو»^۱. در همین معنی، ساختار و بنیان کشاورزی ایران در تمام هزاره‌هایی که بر آن گذشته است، تعریف دقیق و کاملی از اگر واکولوژی است. پیشینه بسیار طولانی ایران در کشاورزی، اهلی‌سازی گیاهان و حیوانات و تکامل همسوی کشاورزی با شرایط زیست‌محیطی غالب همگی زمینه‌ساز شکل‌گیری سامانه‌های اگر واکولوژیک در ایران بوده است. طرفه آنکه توفیق کشاورزی ایران در طول تاریخ چند هزار ساله‌اش در تأمین نیازهای غذا و پوشاک مردمان این سرزمین و همچنین ایجاد یک تمدن ارزشمند که ابعاد و اثرگذاری اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن در طول تاریخ تمدن بشری چشمگیر و چشم‌نواز بوده است، مرهون رعایت اصول اگر واکولوژی در هم‌نوایی و سازگاری با طبیعت و بهره‌گیری خردمندانه از ظرفیت‌ها و رعایت محدودیت‌ها و کمبودهای محیط پیرامونی بوده است و ناکامی‌ها و شکست‌های کشاورزی ما در طول تاریخ نیز عموماً ناشی از بی‌توجهی به اصول اگر واکولوژیک بوده است.

جهان ما با سرعتی شگفت‌آور در حال تغییر و گذار است؛ این ویژگی موجب تشدید «عدم قطعیت‌ها»^۲ و «پیش‌بینی‌ناپذیری» آینده شده است. ترجمه این کتاب در شرایطی انجام شد که بیش از ۳/۱ میلیارد نفر از ساکنان کره زمین در قرنطینگی کرونا به سر می‌بریم. به‌راستی کدام ما در نوروز ۱۳۹۸ می‌توانست وضعیت نوروز ۱۳۹۹ را نه پیش‌بینی که حتی تخمین بزند. بر این اساس، در زمانه‌ای که تغییر با چنین سرعتی رخ می‌دهد و پیش‌بینی‌ناپذیری با چنین گستردگی در مقابل ما قرار دارد، زیستن و از آن مهم‌تر بقای ما انسان‌ها منوط به توانایی درک تغییرات و در وهله بعد سازگاری با این تغییرات است. تاریخ اقامت موفق ما در کره زمین نشان می‌دهد این درک اولیه و سپس سازگاری بعدی، قدرتی فراتر از تغییرات دارد که گاه خود ما را به حیرت انداخته است و «ما را به سخت‌جانی خود این گمان نبود»^۲. از آن سو اما، اگر ما نسبت به

۱. مولوی (۶۵۲-۵۸۶ خ)

۲. شکویی اصفهانی (۹۹۳-۹۳۶ خ)

تغییرات و دگرگونی‌ها بی توجه باشیم و گذشته را چراغ راه آینده نکنیم، بقای خود را به عنوان یک گونه زنده به تقدیر سپرده‌ایم که «هر که نامُخت از گذشت روزگار/نیز ناموزد ز هیچ آموزگار^۱». آموزه‌های این کتاب و موارد فراوان دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد فروپاشی و نابودی بسیاری از تمدن‌ها و حتی انقراض بسیاری از گونه‌های زنده به دلیل همین ناتوانی در سازگاری با شرایط جدید و یا درپیش گرفتن رفتاری با کره زمین بوده است که نه سازگارانه که سلطه‌ورانه بوده و بدیهی است تیغ سلطه در برابر منطق تاب‌آوری کاری از پیش نمی‌برد. نویسنده این کتاب، انسان معاصر را در گذار به زمانه‌ای می‌بیند که از آن با عنوان «پساتوسعه» یاد کرده و بر این باور است که اگرواکولوژی مناسب‌ترین جایگزین کشاورزی رایج برای زیستن و تکامل همسو در سپهر پساتوسعه است. گرانیگاه این کتاب به‌باور مترجمان، تأکید بر همین ماهیت ارزشمند اگرواکولوژی با توجه به شرایط کشاورزی کنونی جهان به‌طور عام و وضعیت کشاورزی ایران به‌طور خاص است و به‌باور مترجمان، آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی برای کشاورزی ایران در آستانه قرن پانزدهم خورشیدی باید با درنظر گرفتن ویژگی‌هایی از ساختار کشاورزی و اقتصاد و سیاست در جهان امروز و در آستانه جهان فردا باشد که در این کتاب با بیانی شیوا و با توجه به ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گرفته است.

تاکنون آنچه در زبان فارسی درمورد اگرواکولوژی آموزش داده شده، منتشر شده یا سخن رانده شده است، عمدتاً درمورد ابعاد فنی اکولوژیک و کشاورزی آن بوده است و مطالب و مطالعات محدودی نیز در حوزه جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن منتشر شده است. با این حال، درمورد روابط انسانی و به‌ویژه ابعاد سیاسی اگرواکولوژی هیچ مطلب مکتوبی دیده نمی‌شود و حال آنکه این جنبه از اهمیت زیادی برخوردار است. از این منظر، کتاب حاضر می‌تواند به‌عنوان یک دیپاچه به موضوع ابعاد سیاسی اگرواکولوژی در زبان فارسی درنظر گرفته شود. با وجودی که مثال‌ها و مطالعات موردی که در این کتاب ارائه و تبیین شده است، به‌طور مستقیم با شرایط اجتماعی و سیاسی کشور ما رابطه ندارد؛ زیرا شرایط و بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای آمریکای لاتین با ایران تفاوت‌هایی جدی دارد، ولی باید دانست که مبانی و اصول اگرواکولوژی در همه‌جا یکسان است و تفاوت‌های پیش‌گفته شرایط ایران با نمونه‌های موردی کتاب حاضر به معنی نفی اصل موضوع نیست. این تفاوت‌ها ریشه در مسائل فرهنگی دارد و توجه به جنبه تاریخی آن نیز بسیار مهم است؛ درجه نفوذ «سرمایه‌داری» (به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تخطئه روند رایج کشاورزی به‌قلم نویسنده این کتاب) در کشورهای موردنظر با آنچه در کشور ما بوده است متفاوت می‌باشد. از طرف دیگر، همان‌طور که پیش‌تر در همین مقدمه اشاره شد، پیشینه اگرواکولوژیک نظام‌های سنتی کشاورزی ما در ایران راه نفوذ استعمار و سرمایه‌داری را نیز در بخش کشاورزی ناهموار ساخته است و تقریباً جز در یک‌صد سال اخیر که توسعه کشاورزی عمدتاً مبتنی بر سرمایه بوده است، در پیشینه کشاورزی ایران، اولویت نخست معیشت و کشاورزی مبتنی بر کار خانوادگی بوده است که حاکی از

تقدم ابعاد «اجتماعی» بر ابعاد «اقتصادی» در کشاورزی سنتی ایران است؛ در همین بافت تاریخی در ایران مسئله مالکیت زمین و الگوی ارباب-رعیتی و بحث استثمار بزرگ مالکان تاحدودی مطرح بوده است. کشاورزی کوچک و خرده مالکی در کشور که اساس و شاکله کشاورزی ایران را تشکیل می‌دهد، راه را برای دخالت و ورود توسعه مبتنی بر بهره‌کشی مسدود کرده است. بنابراین انتظار می‌رود خوانندگان ارجمند به این نکات که تأثیر قابل توجهی در فهم مطالب و کاربرست احتمالی آن برای سامانه‌های کشاورزی ایران دارد، توجه کافی داشته باشند.

کتاب حاضر برای مخاطبان خود به‌طور عام و مخاطبان تخصصی متون کشاورزی، به‌طور ویژه سرشار از نکات جدید یا بدیع است. آنجا که بحران‌های کنونی جهانی را بن‌بست‌وار می‌بیند با این زبان که «کشتی‌بان را سیاستی دگر آمد»^۱ چنین می‌نویسد که «اکنون انسان با یک بحران جدی مواجه است که براساس آن سامانه‌های موجود باید نظم دیگری یابند. اگر بخواهیم اتمام محتوم انرژی و ماده‌ای را که تضمین‌کننده تداوم رشد تمدن و سرمایه‌داری صنعتی بوده‌اند جدی بگیریم، ناگزیر باید به روش‌ها و گزینه‌های دیگر رو بیاوریم: روش‌های مبتنی بر رهیافت‌هایی غیرصنعتی، غیرمتمرکز بر مناطق شهری، سبزتر، با توجه به جوامع کوچک‌تری که در آن‌ها فناوری‌های ساده‌تر با هدف بازگشت توده جامعه به مناطق روستایی به کار می‌رود» (جستارگشایی) یا در فصل چهارم این مفهوم را با بیانی جذاب و نو شرح و بسط می‌دهد که «بدون استعمار ساختار احساسی عواطف، حساسیت‌ها و آرزوهای جامعه‌ای که سلطه بر آن حاکم شده است، نمی‌توان به کنترل سرزمینی و تصرف اگر واکوسیستم‌ها دست یازید».

در این زمینه، اوج هنر و دانش نویسنده که متخصص علوم کشاورزی هم نیست، آنجاست که مفاهیم بنیادین کشاورزی را نیز با زبانی نو و از منظری جدید به مخاطب عرضه می‌کند؛ در فصل ششم درمورد مفهوم تنوع زیستی، نگارنده آموزه‌های ترمودینامیک را وارد مفاهیم بنیادی کشاورزی می‌کند: «درواقع، وقتی ما از تنوع زیستی کشاورزی به عنوان اصل راهبرانه اگر واکولوژی یاد می‌کنیم، مراد ما تعداد زیاد گونه‌ها نیست، بلکه مراد ما افزایش تعداد مسیرهای متابولیکی است که برای بهره‌مندی کارآمدتر از انرژی خورشیدی در اختیار قرار دارد. با افزایش تنوع اگر واکوسیستم، مسیرهای جدیدی برای انتقال جریان‌های انرژی شکل می‌گیرد و بدین ترتیب پیچیدگی سامانه افزایش می‌یابد» و یا مطالبی که از حوزه زبان‌شناسی و هرمنوتیک در کتاب وارد شده است، به خواننده یادآور می‌شود که باید مراقب واژگان و اصطلاحات و زبان خود باشد و قدرت پنهان در کلمات و زبان، اسلحه‌ای بوده است که به یاری کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی در همه یک‌ونیم قرن اخیر آمده است.

آخرین نکته که اشاره به آن ضروری است این که آشکار است که مترجمان با همه آرا و دیدگاه‌های نویسنده موافقت ندارند. هدف اصلی ترجمه کتاب، همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، باز کردن دریچه‌ای نو برای مخاطبان فارسی‌زبان است و بدیهی است برخی نظریات نویسنده مورد تأیید مترجمان

۱. منوچهری دامغانی (درگذشته ۴۲۰ خ)

نباشد. مترجمان بر خود لازم می‌بینند از همکار گرامی جناب آقای دکتر محمد تیرانداز برای بازخوانی بخش‌هایی از متن ترجمه و ارائه پیشنهادها سازنده برای ویرایش زبان ترجمه سپاسگزاری کنند. از سرکار خانم شهلا لجم اورک برای همکاری در تهیه ویراست نخست ترجمه قدردانی می‌شود. از واحد محترم نشر آثار علمی دانشگاه فردوسی مشهد برای انتشار این کتاب تشکر می‌شود. پیشنهادها و انتقادات خوانندگان ارجمند مایه سپاس مترجمان و رفع کاستی‌ها و خطاها در چاپ‌های بعدی این ترجمه است.

علیرضا کوچکی

عبدالمجید مهدوی دامغانی

حسین محمودی

زمستان ۱۳۹۹

جستار گشایی

روابط درهم تنیده کشاورزی با «قدرت» از جمله موضوعاتی است که آن چنان که باید و شاید مورد توجه اکولوژی سیاسی و بینش زیست محیطی قرار نگرفته است. نباید از نظر دور داشت که مطالعات بسیار ارزشمندی در این حوزه دانشی صورت گرفته و مقالات برجسته‌ای به موضوع رابطه میان کشاورزی و قدرت پرداخته‌اند. با این حال، تاکنون منابع مکتوب چندانی در زمینه واکاوی مبانی نظری اکولوژی سیاسی و خاستگاه فکری گفتمان‌ها، عملیات و انگاره‌های این حوزه برای کشف و تبیین تعارضات موجود در کشاورزی منتشر نشده است. در این میان، اگر اکولوژی^۱ بیش از دیگر علوم کشاورزی به ابعاد قدرت در کشاورزی پرداخته است. با این حال، به اگر اکولوژی غالباً به عنوان رهیافتی جایگزین برای توسعه روستایی و توسعه پایدار نگریسته می‌شود. این امر تا حدودی ناشی از این امر است که مفهوم «توسعه^۲» در چارچوب نظری اگر اکولوژی به عنوان پدیده‌ای ذیل مدرنیته سرمایه‌داری تعریف و لحاظ نشده است. بیش از نیم قرن است که در تبیین موضوع بهبود زندگی مردم، توسعه یک جزء سیاسی محسوب می‌شود و انسان‌ها را براساس کارکردهای رفتار سیاسی و با معادلات پویایی جمعیت‌ها مطالعه و حتی ارزش‌گذاری می‌کنند. بنابراین، در زمانه کنونی بیش از هر زمانی به ایجاد یک گفتمان میان این دو حوزه مطالعاتی نیاز است.

در این کتاب، نویسنده بر آن بوده است تا نشان دهد طرح مباحث سیاسی اگر اکولوژی در بستره اکولوژی سیاسی و نظریه پساتوسعه^۳، و نه بررسی اگر اکولوژی در ذیل چارچوب‌های توسعه پایدار یا توسعه روستایی می‌تواند به نتایج مفیدی منجر شود. با وجودی که مسائل و رهیافت‌هایی که در اکولوژی سیاسی توسط اندیشمندان و مکاتب مختلف بررسی می‌شود بسیار متنوع و متفاوت است، نویسنده در این کتاب از «نقد مدرنیته» و «نقد توسعه» به عنوان مبانی اصلی تبیین و واکاوی روابط میان سرمایه، فرهنگ و طبیعت بهره گرفته است. نگارنده بر این باور است که مسئله فقدان یک تجزیه و تحلیل جامع از راهبردهای درهم تنیده قدرت در پس زمینه فرهنگی توسعه کشاورزی و رژیم‌های غذایی در این است که ما در فهم ذهنیت‌گرایی موجود در ساختارهای نهادی‌ای که در خدمت سامانه اقتصادی سرمایه‌داری هستند، ناتوانیم.

1. agroecology
2. development
3. post-development

بنابراین، اکولوژی سیاسی هم به مثابه حوزه میان‌دانشی آرمانی برای اکرواکولوژی عمل می‌کند و هم تبیین‌کننده چگونگی آفرینش کنش‌مند «سامانه‌هایی فرمان‌بردار» است که اکرواکوسیستم‌ها خوانده می‌شوند (فوکو، ۲۰۰۹) و در آن‌ها طبیعت از یک ماهیت زنده که ما متعلق به آن هستیم، به کالایی تبدیل می‌شود که در بازار و برحسب ارزش افزوده دادوستد می‌شود (لِف، ۲۰۰۴). اکولوژی سیاسی همچنین به تجزیه و تحلیل این امر می‌پردازد که چگونه سرمایه‌های بزرگ توسط حاکمیت موجب تبدیل ماهیت‌های زنده به پدیده‌های مرده (یعنی کالا) می‌شوند (اگامبن، ۲۰۱۷).

اکرواکولوژی تاکنون نتوانسته است کشاورزی را برحسب رویه‌های استدلالی، وضعیت هستی‌شناسانه و سازوکارهای سیاسی در بستره‌ای تاریخی که موجب گسترش جهانی صنعت کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی شده است، تبیین کند. این امر کاملاً متفاوت از این پرسش کلیدی و خردمندانه است که کدام سیاست‌گذاری‌ها یا کدام رویه‌های نهادهای برای تغییر رژیم‌های کشاورزی و غذایی مناسب‌ترند. موضوع پیش‌گفته درواقع پرسشی درمورد چستی کشاورزی از منظر راهبردهایی است که کشاورزی را صرفاً مبتنی بر عقلانیت فنی سیاسی و متافیزیکی جغرافیای سیاسی کشاورزی می‌داند که براساس آن دهقانان، جوامع محلی و دیگر بازیگران این اجتماع هویتی دوباره برپایه ارزش‌گذاری سرمایه‌محور پیدا می‌کنند.

در این کتاب به این موضوع پرداخته شده است که جنبش‌های اجتماعی اکرواکولوژیک باید نقد پروژه توسعه را وارد نقد خود از کسب و کار رایج کشاورزی و انقلاب سبز کنند. برای تحقق این امر، این جنبش‌ها باید نقدی بی‌رحمانه و صریح علیه خود و دیگر جنبش‌هایی که مدافع حیات و خاک هستند، آغاز کنند. علاوه بر این، کنش‌های اجتماعی برخی جنبش‌ها الگویی بسیار جالب برای گذار به پساتوسعه و پسابهره‌کشی کشاورزی است. با این حال، نقد پروژه توسعه موضوعی فراتر از نقد کلامی و فلسفی است. چنین نقدی مستلزم طرح پرسش‌های کلیدی درمورد ماهیت تولیدات سامانه‌های کشاورزی و درک این موضوع است که تعارض سیاسی موجود در ذات این حوزه که بر همه ابعاد آن سایه انداخته است، چالشی با ابعاد فرهنگی پروژه مدرنیته و نظم‌نمادین آن است که موجب بقای مفاهیم متافیزیکی کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی^۴ شده است. تأکید کتاب بر این است که نقد تمدن فعلی موضوعی نیست که برگرفته از بی‌توجهی به طبیعت در گفتمان رایج توسعه باشد، بلکه نشانه‌ای از نمادهای دوگانه مدرن است که براساس آن ذهنیت در برابر عینیت، طبیعت در برابر جامعه، فرد در برابر اجتماع، ذهن در برابر جسم و عقل در برابر

1. Michel Foucault (1926-1984)

2. Leff

3. Agamben

۴. agroextractivism: این مفهوم که به تازگی و عمدتاً توسط اندیشمندان آمریکای لاتین وارد ادبیات کشاورزی شده است، ناظر به نوعی کشاورزی می‌باشد که به شکل مفرط و بی‌توجه به پیامدهای گوناگون فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی به استخراج، بهره‌برداری، خام‌فروشی و عرضه منابع طبیعی می‌پردازد. مفهوم «بهره‌کشی» در این کتاب، شباهت‌ها و نزدیکی‌های معنایی و کارکردی فراوانی با مفهوم «استثمار» دارد (م).

احساس قرار گرفته است. از همین جاست که فردگرایی، ایمان به پیشرفت^۱ و نیروی خودادراک انسان محوره ما موجب می شود خود را مالک الرقاب شبکه حیات بدانیم و آن را در حد منابع پیش پا افتاده ای که برای بهره کشی در اختیار ما قرار دارند، تلقی کنیم. به همین دلیل، هر گزینه دیگری برای مقابله با این ویرانگری رایج امروزی مادامی که از این نشانه ها و الگوها پیروی کند، باز هم به همین نتایج دهشتناک منجر خواهد شد. پس برای پایان دادن به این روند فقط باید مبانی، ساختار معنایی و ذات مدرنیته سرمایه گذارانه ای را که کشاورزی رایج بر آن بنا شده است، به چالش کشید و زیر سؤال برد.

پذیرش رهیافت اکولوژی سیاسی همچنین به معنی پذیرفتن این امر است که اندیشه اگر و اکولوژیک را نمی توان منفک از رویه های پیچیده کنترل بهره کشی یا سازو کارهای قدرت که در توسعه تنیده شده است، در نظر گرفت. درک این موضوع، از یک سو موجب پذیرفتن محدودیت های بیشتر برای کنش های سیاسی، حتی در موقعیت هایی که قدرت سیاسی و سلطه ساختاری وجود دارد، می شود. قطعاً رهایی از چنگال روابط قدرتی که سازنده دستگاه عظیم توسعه طی این همه سال بوده اند، به هیچ روی آسان نیست. بنابراین، جنبش های اجتماعی اگر و اکولوژیک و دیگر بخش های جامعه که کشاورزی صنعتی و سامانه جهانی شده غذا را به چالش می کشند، باید بدانند که اگر بخواهند همچنان بر چارچوب های مطلق توسعه متمرکز باشند، در نهایت تسلیم همین فناوری هایی خواهند شد که به دنبال غلبه بر آن ها هستند. این امر همچنین موجب می شود این جنبش ها با کسب برخی دستاوردها در این نبرد با نظام حاکم و دستگاه چندجانبه قدرت محتاط تر شوند؛ زیرا خطر اعطای امتیازات و قدرت بیشتر به نظم سیاسی موجود برای تداوم کسب چنین دستاوردهایی افزایش خواهد یافت.

اکولوژی سیاسی کشاورزی که در این کتاب ارائه شده است، به دنبال بررسی همه ابعاد این حوزه مطالعاتی نیست. این کتاب صرفاً تلاشی برای گشودن دروازه ای شناختی برای اگر و اکولوژی - حوزه دانشی ای که نه مربوط به توسعه پایدار و توسعه روستایی، بلکه حوزه ای میان دانشی در اکولوژی سیاسی و اندیشه زیست محیطی است - می باشد. در کتاب حاضر مباحثی نیز در مورد اقتصاد سیاسی، پسا ساختارگرایی، پدیدارشناسی، پیچیدگی و فلسفه محیط زیست مطرح شده است. هدف نگارنده این بوده که از یک سو ذهن خواننده را متوجه چولگی فعلی به سمت اصالت تولید و مفاهیمی که از عقلانیت اقتصادی موجود در ذات علوم کشاورزی برآمده است، نماید. از سوی دیگر، نگارنده به دنبال طرح مسئله قدرت در کشاورزی در بستر تضاد و تعارض میان کنشگران مخالف و متضادی است که به دنبال بازتعریف طبیعت در حوزه اجتماعی هستند (لف، ۲۰۱۴). نگارنده همچنین امیدوار است تجزیه و تحلیل های ارائه شده در این کتاب بتواند به طور کلی به اکولوژی سیاسی و اندیشه انتقادی در فهم نقش برجسته جنبش های اجتماعی برخاسته از اگر و اکولوژی در دیگر فعالیت های غیر کشاورزی برای پساتوسعه، پسا استثمار و گذار به جهانی ورای سرمایه کمک کند.

1. progress

کتاب حاضر به هفت فصل تقسیم شده است. در فصل نخست، نگارنده به دنبال معنزدایی از برخی واژگان کلیدی اندیشه مدرن که نقشی کلیدی در گفتمان بهره‌کشی کشاورزی رایج دارند، بوده است. این فصل با این موضوع آغاز شده است که ما قادر به درک کامل کسب و کار کشاورزی نیستیم و اگر بنیان‌های این موضوع که عامل بقای اصالت تولید بوده‌اند فهمیده نشود، یعنی ضرورت بهره‌کشی و استثمار منابع از طبیعت و در نظر گرفتن طبیعت به مثابه یک «کارخانه منابع طبیعی» که باید عصاره آن را استخراج کرد، تغییر شکل دهد و در نهایت آن را در قالب کالاهای کشاورزی عرضه کند، قدرت کشاورزی از بین خواهد رفت. در این فصل تلاش شده است به خواننده تفهیم شود که اقتصاد سیاسی بهره‌کشی کشاورزی یکی از دیگر اجزای مهم این سامانه در تاریخ متافیزیک است که براساس آن انسان در عصر مدرن خود را به عنوان سوژه و بقیه دنیا را به عنوان ابژه در نظر می‌گیرد و به دنبال سلطه فنی بر کره خاکی است. نمود آشکار این نگاه را می‌توان در فناوری‌های انقلاب سبز، چشم‌اندازهای کسب و کار کشاورزی و باور به مجاز بودن انسان در تداوم روند توسعه پیشروانه‌ای دانست که به سمت «کسب هرچه بیشتر» حرکت می‌کند.

فصل دوم به تبیین این موضوع پرداخته است که این نگرش مدرن به پیدایش بینش اقتصاد بهره‌کشی کشاورزی منجر شده است. در این بینش نگاه انسان به جهان به گونه‌ای است که گویی قوانین بازار ما انسان‌ها را اداره می‌کنند و به همه اشیا به چشم کالا نگاه می‌شود و انگیزه غایی ما از هر کنشی، کسب سود است. در این فصل تاریخچه زیست‌محیطی مختصری از اینکه چگونه این عقلانیت به گسترش سرمایه‌دارانه کشاورزی در مقیاس جهانی منجر شده است، با تأکید ویژه بر دوگانه ساختگی توسعه و فقر که به موجب آن مجموعه‌ای از نیازها در قالب «اصالت مصرف» صورت‌بندی شده است (ایلیچ، ۱۹۹۶)، ارائه می‌شود. این گفتمان «حقیقت آفریده شده» به خلق «نیازها» منجر می‌شود که نمود آن را می‌توان در کشاندن تعداد بیشتری از مردم به اقتصاد بازار و قرار دادن آن‌ها در معرض سودمندی‌های حاصل از فناوری مشاهده کرد که کارکردهای مهمی در ایجاد مصرف‌کنندگان برای مازاد تولیدات کشاورزی، به عنوان موتور محرک کشاورزی پس از جنگ جهانی دوم، از غذاهای فراوری شده و صنایع غذایی گرفته تا نهاده‌های شیمیایی و ماشین‌آلات کشاورزی داشته است. بخش پایانی فصل دوم، با بهره‌گیری از حجم عظیمی از داده‌های تاریخی نشان داده است چگونه ساده‌سازی بوم‌نظام‌ها و آلوده شدن آن‌ها بر اثر پیروی از این الگوهای رایج موجب ویرانی خوداتکایی طبیعت شده است و وابستگی به سرمایه‌های طبیعی به گسترش نامحدود دامن زده است. همچنین نشان داده شده است چگونه سامانه با بازآرایی و بازتعریف مدل جهانی کشاورزی و کشف منابع جدید کسب و کاری و با ترویج ظاهر سازانه «اقتصاد سبز» و «توسعه پایدار» به این ویرانی منابع دامن می‌زند.

در فصل‌های سوم و چهارم، به ابعاد نظری موضوعاتی که در دو فصل پیشین بررسی شده بود،

پرداخته شده و تفاسیری از راهبردهای قدرت کشاورزی در جهان معاصر ارائه شده است. این بخش با بررسی یکی از نظریات غالب جدید در حوزه اکولوژی سیاسی آغاز می‌شود که برگرفته از نگره «انباشت ثروت از طریق خلع مالکیت» دیوید هاروی^۱ (۲۰۰۷) و دیگر اندیشمندانی است که نگاه به‌روزشده‌ای از آرای انباشت ثروت مارکس^۲ است. هدف از این بررسی این است که نشان داده شود که باوجود رفتارهای خشن ناشی از خلع مالکیت که طی سال‌های اخیر رخ داده است، نمی‌توان از این حقیقت چشم‌پوشی کرد که موفقیت سیاست‌های خلع مالکیت زمین در شرایطی محقق می‌شود که همراه با رضایت و طیب‌خاطر جامعه باشد. به‌ویژه، نگارنده در این بخش بر بحث خلع مالکیت زمین در کشورهای جنوب تأکید داشته است و موضوع گسترش جغرافیایی کسب‌وکار کشاورزی با خوانش پدیدارشناسانه و ساختارگرایانه و با در نظر گرفتن این اصل مورد توجه قرار گرفته است که خلع مالکیت زمین‌ها ضرورتاً همیشه نباید همراه با جابه‌جایی جوامع محلی باشد. با دانستن این نکته مسلّم که انحصار همه زمین‌های جهان و تبدیل آن به کشتزارهای صنعتی یکپارچه ممکن نیست، سرمایه به‌شکلی در اختیار سامانه‌های کشاورزی قرار گرفته است که میلیون‌ها کشاورز با پذیرش کشاورزی تجاری فشرده به خدمت سازوکارهای رانت که با عقلانیت اقتصادی متافیزیکی اداره می‌شوند، درآمده‌اند. علاوه بر این، زمانی که عناصر خودمختارانه دانش بومی کشاورزی سنتی و اقتصادهای بومی دهقانی با عناصر غیرخودمختاری تلفیق می‌شوند که بافت و ساختار سامانه‌های کشاورزی را تغییر می‌دهند و موجب کنار گذاشته شدن آموزه‌ها و دانش کشاورزان، نوآوری‌های سنتی و گفتمان مبتنی بر یکپارچگی میان فرهنگ و طبیعت می‌شوند، کشاورزی تجاری بدون تصرف زمین باعث برآمدن ژئوپولتیک جدیدی از توسعه کشاورزی می‌شود.

در فصل چهارم، ما به گفت‌وگوی خود با باورمندان نئومارکسیسم از منظر ساختارگرایانه برای تبیین برخی راهبردهایی که قدرت از آن‌ها به‌شکل ناملموس استفاده می‌کند، ادامه می‌دهیم. هدف این فصل یافتن پاسخ این پرسش است که سرمایه چگونه بر قلمروهای کشاورزی غلبه می‌کند و با تغییر روابط، مناسبات و احساسات میان کشاورزان و مکان فیزیکی‌ای که به آن تعلّق دارند، باعث کنترل جسم و روح آن‌ها می‌شود. در این بخش، نگارنده به دنبال آن است که نشان دهد کنترل سرزمینی مادام که در جسم و جان، در احساسات و در افق حسّانی جوامع کشاورزان به سلطه درآمده نفوذ نکند و چارچوبی از تفکر کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی را به عواطف و ادراکات جامعه کشاورزی تحمیل نکند، قادر به بقا نخواهد بود. قلمرودادی^۳ با شکل‌دهی ساخت جدیدی از احساسات و آرزوهای جوامع کشاورزان بومی و از میان بردن ساخت اجتماعی سنتی آن‌ها محقق می‌شود. در اینجا سخن از تغییر احساسات و عواطف کشاورزان با سرنیزه قدرت سخت‌افزارانه نیست، بلکه این امر با جهت‌دهی عواطف کشاورزان و تغییر دادن «آنچه که می‌تواند ادراک شود» از «آنچه نباید ادراک شود» رخ خواهد داد (لئون، ۲۰۱۱). فرضیه نگارنده

1. David Harvey

2. Karl Marx (1818-1883)

3. Deterritorialization

در این کتاب این است که کارایی تصرف احساسات کشاورزان بومی تاحدّ زیادی مرهون ویژگی‌های حسانی‌ای است که توسط سرمایه شکل گرفته است؛ زیرا در چنین ساخت حسانی‌ای است که عواطف جامعه به یک سمت و سوی خاص هدایت می‌شود و به سمت و سوی دیگری تمایل پیدا نمی‌کند. این موضوع در حوزه کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی که تجارب روزانه افراد ثبت و اجرا می‌شود، از طریق کنترل عواطف، آرزوها و دانش و چگونگی برنامه‌ریزی اگر واکوسیستم‌ها در قالب معنایی سرمایه‌داری کشاورزی رخ می‌دهد.

کل بخش اول این کتاب به دنبال اثبات این فرضیه است که فتح جان کشاورزان یکی از ابزارهای کلیدی توسعه است که بدون آن گسترش جغرافیایی کشاورزی صنعتی محقق نخواهد شد. کشاورزی تجاری به شکلی فعالانه از سیاست زیستی^۱ توسعه برای دست‌ورزی جمعیت‌ها، تشویق انسان‌ها برای تصویرسازی و ادراک خود به عنوان ماهیت‌هایی که از همدیگر مستقل و جدا هستند، جدایی آن‌ها از طبیعت و تبدیل آنان به بازرگانانی که هماهنگ با اصول بازار عمل می‌کنند، بهره می‌گیرد. به سخن دیگر، کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی درست به سان مدلی از مرگ و جدایی، هم‌زمان باعث آفرینش انسان‌هایی می‌شود که با زمین و دیگر ساخت‌های جامعه غریبه‌اند و از طرف دیگر خود را در یک تنهایی خویش‌محورانه رها می‌بینند. این جنبه از پروژه فرهنگی مدرنیته سرمایه‌داری نباید در مطالعات و ارزیابی‌های اگر واکولوژیک از قلم بیفتد؛ زیرا برای شناخت کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی و ساخت سازمانی آن که پشتیبان اصلی این رهیافت و عامل ایجاد فاصله میان انسان و مبانی اندیشه فکری پیوند او و طبیعت می‌باشد، عنصری حیاتی است.

در فصل پنجم سازمان اجتماعی و تناقضات آن با وضعیت فعلی سامانه‌های کشاورزی بحث و واکاوی شده است. به ویژه، نگارنده به تاریخچه روش کار کشاورز - به - کشاورز^۲ پرداخته که آن را یکی از جالب‌ترین ابزارهای روش شناختی گسترش اگر واکولوژی در گذار به پساتوسعه می‌داند و ظرفیت‌های این روش در بازیابی خودمختاری اگر واکوسیستم‌ها، احیای شبکه روابط انسانی و آزاد شدن انرژی سرکوب‌شده اجتماعی بسیار مؤثر است. این روش با تبادل چهره‌به‌چهره دانش در میان کشاورزان توانسته است ثروت اجتماعی فراوانی را تولید کند، ظرفیت جوامع روستایی را در بهره‌برداری از منابع موجود احیا نماید، راهکارهایی واقعی برای مشکلات منطقه‌ای که سازگار با تجارب فرهنگی و ویژگی‌های اکولوژیک هر نقطه هستند ارائه دهد و هم‌زمان سامانه‌های تولید و مصرف را به کنترل اجتماعی جوامع محلی درآورد. از منظر پیچیدگی، به ظرفیت‌های قدرت اجتماعی که در قالب سامانه‌های خودمختار در می‌آید صحبت و اشاره شده که قدرت اجتماعی در قالب شبکه‌های کارکردی به شکل نمایی افزایش می‌یابد و باعث جریان آزاد و فعال دانش و تولید دانش بومی جدید می‌شود. علت این امر مشارکت همه

1. biopolitics

2. peasant-to-peasant methodology

کشاورزان و بهره‌گیری از ظرفیت آفرینش‌گری آن‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص هر منطقه و هر نظام کشاورزی است. روش کشاورز-به-کشاورز به باورمندان پساتوسعه نشان می‌دهد که آفرینش‌گری با بهره‌گیری از کمک‌های دوجانبه متقابل می‌تواند بر نظم موجود بازار مبتنی بر عقلانیت اقتصادی غلبه کند و جایگزین آن شود. نگارنده علاوه بر بحث‌های گفتمانی در این فصل به دنبال تأکید بر عناصر اجتماعی اگرواکولوژی است که طی این فرایند بازتولید شده که نمونه‌های قابل توجهی از آن در این کتاب تشریح شده است. این عناصر اجتماعی در اگرواکولوژی می‌تواند حقیقت است که نمی‌توان از سازمان‌های حکومتی و سیاست‌های عمومی انتظار ایجاد تغییری جدی در ساخت سامانه‌های سرمایه‌دارانه داشت، بلکه روابط اجتماعی است که می‌تواند به شکلی عمل‌گرایانه ساخت سرمایه‌دارانه اگرواکوسیستم‌ها را تغییر دهد.

فصل ششم نگاهی معرفت‌شناسانه برای تبیین چگونگی کاربست روابط فناوری، اقتصاد و جامعه در کشاورزی بوم‌سازگار دارد. نگارنده در این فصل براساس نظریه رانش طبیعی خودنوگرانه ارائه شده توسط اومبرتو ماتوران^۱ و فرانسیسکو بارالا^۲ و همچنین قانون دوم ترمودینامیک به بررسی اگرواکولوژی و کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی از یک منظر فیزیکی و براساس الگوی نظام‌مند علوم زیستی پرداخته است. آرای ماتوران و بارالا به ما می‌آموزاند که اگر اصل بنیادین حیات، یعنی خودمختاری سازمان‌یافته اکوسیستم‌ها در یک فرایند غیرخطی باشد، مداخلاتی که در این سامانه‌ها رخ می‌دهد، نباید خطی باشد. این بدان معناست که انسان مجاز به هر نوع آفرینش‌گری و مداخله در اگرواکوسیستم‌ها، به‌جز مداخلاتی است که ملاحظات و اصول ساختاری طبیعت را در نظر نگیرد. بنابراین، هیچ کنشی نباید تمامیت اگرواکوسیستم‌ها را که شرط بقای آن‌هاست، به‌مخاطره بیندازد. انسان توانایی بی‌حدومرزی برای نوآوری‌های فنی دارد، پس باید این توانایی را در چارچوب‌های اکولوژیکی محصور کند؛ درغیراین صورت حیات در کره زمین به‌مخاطره خواهد افتاد. براین اساس، ما موظف به سازگاری خود با قوانین ترمودینامیک هستیم. در این فصل و براساس فهم ما از جریان‌های انرژی به تبیین این امر خواهیم پرداخت که انسان‌های مختلف چگونه طی ده‌هزار سال گذشته حیات و کشاورزی خود را در مناطق مختلف، بدون بی‌توجهی به اصول حاکم بر طبیعت تداوم بخشیده‌اند. در این بخش اشاره شده است که برخی جوامع کشاورزی توانسته‌اند اگرواکوسیستم‌ها را با ساختار آنتروپی و انرژی منفی موجودات زنده که مستلزم همزیستی مسالمت‌آمیز با تنوع زیستی و چرخه‌های اکوسیستمی است، سازگار کنند. این اصول زیستی فیزیکی حاکی از آن است که نسخه‌های یکنواختی که بتوان آن‌ها را برای تمام کشت‌بوم‌های سراسر دنیا تعمیم داد، جایی در اگرواکولوژی ندارد؛ زیرا قادر به هماوایی و سازگاری با فرایندهای آنتروپی منفی و خودنوگرایی‌های کشاورزی بوم‌سازگاری که شاکله نظم طبیعی را تشکیل می‌دهد، ندارند.

1. Humberto Maturana

2. Francisco Varela

در فصل پایانی آینده کشاورزی صنعتی براساس پیش‌بینی افول عصر سوخت‌های فسیلی و احتمال فروپاشی تمدن مبتنی بر کشاورزی صنعتی به دلیل فروپاشی ساختارهای مادی این سامانه‌ها بررسی می‌شود. در این فصل ماهیت مصنوعی، فناوری‌زده، خاکستری و غیربوم‌سازگار کشاورزی تجاری که این سامانه‌ها را به مثابه تصاویر آخرالزمانی سینمای هالیوود ساخته است و رفتار خطی آن‌ها با طبیعت که ماهیت غیرخطی دارد، بررسی شده است. در این فصل اشاره شده که امکان تداوم کاربرد و بهره‌برداری از انرژی براساس پویایی‌های نگره انباشت سرمایه وجود ندارد و اکنون انسان با یک بحران جدی مواجه است که براساس آن سامانه‌های موجود باید نظم دیگری بیابند و کشتی‌بان را سیاست تازه‌ای به عمل آید. اگر بخواهیم اتمام محتوم انرژی و ماده‌ای را که تضمین‌کننده تداوم رشد تمدن و سرمایه‌داری صنعتی بوده‌اند جدی بگیریم، ناگزیر باید به روش‌ها و گزینه‌های دیگر رو بیاوریم: روش‌های مبتنی بر رهیافت‌های غیرصنعتی، غیرمتمرکز بر مناطق شهری، سبزتر، با توجه به جوامع کوچک‌تری که در آن‌ها فناوری‌های ساده‌تر با هدف بازگشت توده جامعه به مناطق روستایی به کار می‌رود. نگارنده در این فصل تأکید کرده است که اگرواکولوژی می‌تواند در آینده ما را از بن‌بست تمدنی‌ای که در آن گرفتار شده‌ایم، نجات دهد. درحقیقت، به‌باور نگارنده اکنون یک فرصت رویایی در اختیار ماست تا بتوانیم یکپارچگی بوم‌سازگاران‌ای میان کشاورزی، جنگل، منابع طبیعی و انسان‌هایی که در این فضا زندگی می‌کنند، ایجاد کنیم. به هر حال، گزینه‌های دیگری نیز برای آینده وجود دارد که باید فارغ از نظریه‌های توسعه و پیشرفت کنونی بررسی شود. در هر صورت تمام این گزینه‌ها نیازمند ایجاد تغییرات جدی فنی، سیاسی، اقتصادی و البته ملاحظات هستی‌شناختی و معنوی است.

در پایان، نگارنده بر این باور است که اگرواکولوژی و دگرگونی‌های چشم‌اندازهایی که در آن رخ می‌دهد، کارکردهای هستی‌شناسانه قابل توجهی دارد. چشم‌اندازهای غنی از تنوع زیستی که اگرواکولوژی به دنبال دستیابی به آن‌هاست، می‌تواند به عنوان دستیابی به بخشی از تغییرات معنوی و زیرساختی‌ای باشد که ما به آن‌ها برای پذیرش خود در قالب موجوداتی وابسته به دیگر موجودات زنده و وابسته به طبیعت که متعلق به شبکه‌های حیاتی هستیم، ضروری است. تغییرات هستی‌شناختی، یعنی تبدیل انسان‌ها از موجودات زنده منفرد و از هم جدا به یک ماهیت اجتماعی یکپارچه به هم پیوسته، فقط در شرایطی محقق خواهد شد که سکونت ما روی کره زمین همراه با ادراک ارتباطات درونی و جفت‌شدگی ما با طبیعت باشد. کره زمین خواستار آن است تغییراتی که ما انسان‌ها در اکوسیستم‌ها ایجاد می‌کنیم موجب به هم خوردن تعادل زیستی یا تجاوز به ساخت یکپارچه آشیان‌های اکولوژیک طبیعی که گیاهان و جانوران و روابط همزیستی آن‌ها در آن قرار دارد، نشود. کره زمین از ما این را هم می‌طلبد که نظم نمادین اگرواکوسیستم‌ها به شکلی سازگارانه با نظم طبیعت و براساس تلقی انسان‌ها به عنوان بخشی از مجموعه روابط درهم‌تنیده میان موجودات زنده و طبیعت صورت‌بندی شود.

نگارنده مایل است این بخش از کتاب را با توضیح مختصری از دلایل نگارش و چگونگی پیدایش

این کتاب به پایان برساند و از این فرصت برای قدردانی از افرادی که در تدوین این کتاب مؤثر بوده‌اند، استفاده کند. کتاب حاضر نتیجه پنج سال پژوهش‌های نگارنده در حوزه کشاورزی در سپهر پساتوسعه است. باوجودی که برخی از ایده‌های مطرح‌شده در این کتاب پیش‌تر در مقالات و کتاب‌های دیگر نگارنده منتشر شده است، در این کتاب یک نگاه جامع چندبعدی همه‌جانبه از ایده‌های پیش‌گفته و نیز ایده‌هایی که برای نخستین بار منتشر می‌شوند، ارائه شده است. نظریاتی که در این کتاب ارائه شده است در فضاهای مختلف به بحث و بررسی گذاشته شده و نقد و نظر بسیاری از افراد که بر آن‌ها طرح شده در این کتاب مورد توجه نگارنده قرار گرفته است.

هسته اولیه این کتاب طی فرصت مطالعاتی نگارنده در گروه مطالعات زیست‌محیطی در دانشگاه ملی کلمبیا در نیمسال آموزشی دوم سال ۲۰۱۲ نضج گرفت. در اینجا بود که نگارنده بخت‌یار بود که با فیلسوف معاصر، آنا پاتریشیا نوگوترا^۱، و تیم پژوهشی رؤیایی او همکاری کند. نگارنده عمیق‌ترین خود را از دوستی ارزشمند این اندیشمند بزرگ و ایجاد فضای گفت‌وگو درمورد اگرواکولوژی از منظر احساسات و پدیدارشناسی ابراز می‌دارد. اثرات این تجربه دانشگاهی در سطر سطر این کتاب برجای مانده است.

نگارش این کتاب از آگوست ۲۰۱۳ (امرداد ۱۳۹۲)، چند ماه پس از دریافت درجه دکترا^۲ و در اوان دوره پسادکترای مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی در دانشگاه مستقل ملی مکزیک^۳ (UNAM) آغاز شد. در اینجا بود که با انریکه لف^۴، معرفت‌شناس بزرگ و فعال زیست‌محیطی مکزیکی، به‌عنوان استاد راهنما همکاری کردم. با سپاس از راهنمایی‌های او و تأمین مالی این دوره از سوی UNAM، مطالعات من در این دوره بر سازوکارهای تصرف سرزمینی در متن بن‌سازه سلب مالکیت زمین در آمریکای لاتین متمرکز بود و به‌انجام رسید. همه سپاس و تکریم خود را تقدیم انریکه لف می‌کنم. رگه‌های درخشانی از نظریات و آرای بدیع او در این کتاب در معرض نظر خوانندگان قرار گرفته است.

در سپتامبر ۲۰۱۴ (شهریور ۱۳۹۳)، نگارنده با پشتیبانی شورای ملی علوم و فناوری مکزیک، به‌عنوان استاد کالج جنوبی (ECOSUR)^۵ در سن کریستوبال لاس کاساس ایالت چیپاس^۶ پذیرفته شد و به مطالعات خود و نگارش کتاب ادامه داد. در اینجا از هلدای موالس^۷ که مرا به‌عنوان پژوهشگر مهمان برای مشارکت در پروژه «اشاعه اگرواکولوژی» دعوت کرد، سپاسگزاری می‌کنم؛ در اینجا بود که با یک تیم کم‌نظیر پژوهشی، شامل بروس فرگوسن^۸، پتر روزت^۹، ماتئو میر^{۱۰} و میریام الداسورو^{۱۱} و گروهی از

1. Ana Patricia Noguera
2. Universidad Nacional Autónoma de México
3. Enrique Leff
4. El Colegio de la Frontera Sur (ECOSUR)
5. San Cristóbal de las Casas, Chiapas
6. Helda Morales
7. Bruce Ferguson
8. Peter Rosset
9. Mateo Mier
10. Miriam Aldasoro

دانشجویان پویا و خلاق کارشناسی ارشد و دکترها همکاری داشتم. با مشارکت با این تیم بود که ایده‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی اگر واکولوژیک (بخش دوم کتاب) شکل گرفت و قوام یافت. در اینجا سپاس بی‌پایان خود را نثار هلدای موراتس و کل این گروه می‌کنم که اکنون به بخشی از خانواده‌ام بدل شده‌اند.

پتر روزت ایده‌های فوق‌العاده‌ای را برای این کتاب طرح کرد. تجارب طولانی پتر به‌عنوان مشاور فنی در جنبش بین‌المللی دهقانان (LVC)^۱ و توانایی کم‌نظیر او در نظریه‌پردازی در حوزه اگر واکولوژی سیاسی توانست اطلاعاتی ارزشمند و کلیدی در رابطه با تجارب و دستاوردهای سازمان‌های مختلفی که در کتاب از آن‌ها یاد شده است، برای نگارنده در تهیه کتاب فراهم آورد. من با همراهی و همدلی دوست و همکار دانشورم، مائو میر، و بقیه گروه علمی خود به موضوعات گوناگون متعددی که در این کتاب آمده‌اند، پرداختیم و آن‌ها را از زوایای متفاوت به بحث و واکاوی نشستیم. قطعاً بدون کمک‌های علمی و تجربی پتر نمی‌توانستم مباحث مربوط به جنبش‌های دهقانی، روش کشاورز-به-کشاورز و به‌طور کلی پویایی‌های اجتماعی اگر واکولوژی را در مقیاس جهانی به‌مقصد برسانم.

مایلم سپاس عمیق خودم را نثار دانشجویان پسادکترایم کنم که مشارکتی جدی در سمینارهای «اگر واکولوژی و جامعه»، «اندیشه زیست‌محیطی» و «واکولوژی سیاسی و اگر واکولوژی سیاسی» در اکوسور و نیز در سمینار «نظریه‌های توسعه روستایی» در دانشگاه ملی کاستاریکا داشتند. بسیاری از آرای نگارنده در این کتاب حاصل بحث‌ها و گفت‌وگوهای سازنده‌ای است که از دل این سمینارها زاده شد. سمینار دوره دکترای با موضوع اگر واکولوژی و جامعه که به‌طور مشترک توسط من، فابین کاربونیه^۲ و مائو میر ارائه شد، فضایی عالی برای فراگیری آموزه‌هایی از رهیافت‌ها و گفتمان‌های مرتبط با مباحث این کتاب فراهم کرد که حاصل آن در این کتاب تجلی یافته است.

یکی از لحظات ماندگار و درخشان در شکل‌گیری این کتاب، سمیناری بود که در مورد اندیشه‌های ایوان ایلچ به‌همت سترگ سوزان استریت^۳، رئیس مرکز تحقیقات و مطالعات پیشرفته انسان‌شناسی اجتماعی خورخه آلونسو (CIESAS)^۴، در شهر گوادالاخارا^۵ برگزار شد. در این سمینار بود که فرصت

۱. La Vía Campesina: در لغت به معنای «راه دهقانان» است و در سال ۱۹۹۳ با هدف هم‌گرایی کنش‌های اجتماعی و سیاسی سازمان‌های دهقانی متشکل از کشاورزان کوچک و متوسط، زنان روستایی و جوامع محلی آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی راه‌اندازی شد. این جنبش در حال حاضر از ۱۸۲ سازمان از ۸۱ کشور تشکیل شده و مهم‌ترین مأموریت خود را ترویج «کشاورزی پایدار خانوادگی» می‌داند. این جنبش شکل‌دهنده مفهوم «حاکمیت غذایی» (food sovereignty) است که به‌عنوان یکی از اجزای گفتمان چپ در مقابل مفهوم راست‌گرایانه «امنیت غذایی» (food security) که رویکردی نئولیبرال دارد، عرضه شد. حاکمیت غذایی به‌عنوان یک پروژه سیاسی به دنبال آن است تا حق انسان‌ها را در تعریف نظام غذایی خود و کنترل بر آن به رسمیت بشناسد و صدای کسانی باشد که نقش مهمی در تأمین غذای جوامع دارند، اما صدای آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های غذا و کشاورزی شنیده نمی‌شود (م).

2. Fabien Charbonnier

3. Susan Street

4. Centro de Investigaciones y Estudios Superiores en Antropología Social

5. Guadalajara

یگانه دیدار و گفت‌وگو با گوستاو استهبا^۱ و آغاز دوستی زیبا با استرید پینتو دوران^۲، همکار عزیزم که سمینار ارزشمندی را با موضوع «فرهنگ و تغییر اقلیم» مدیریت می‌کرد، فراهم شد. طی سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ این فرصت را داشتم تا تجربه دست‌اولی از برقراری ارتباط با اتحادیه ملی کشاورزان کوچک^۳ (ANAP) کوبا و برگزاری کارگاه پژوهشی عملیاتی را با سازمان‌های دهقانی و دیگر گروه‌های ترویجی اگرواکولوژی در ایالت چیپاس داشته باشم. به‌علاوه، زندگی در سن کریستوبال لاس کاساس در قلب جنبش زاپاتیستا^۴ و بحث‌های داغ مربوط به شورای دولت محلی CNI نقش برجسته‌ای در سوگیری ذهنیت سیاسی و ساخت‌شناختی من به‌همراه داشت.

از همسر دل‌بندم، بانو اینگرید تورو^۵، سپاسگزارم که توجه مرا به اهمیت انگاره‌های «اثرگذاری» و «همدلی» با اعمال قدرت در توسعه جلب کرد. فصلی که در این موضوع نوشته شد، حاصل گفت‌وگوهای فراوان و شورانگیز ماست و روح افکار اینگرید در این فصل جولان دارد. همچنین عمیقاً و فروتنانه منت‌دار اندیشه علمی و نوشته‌های پدرم و آموزگارم، خوسه عمر خیرالدو^۶، هستم که مشتاقانه این کتاب را ویرایش کرد و نکاتی را به من یادآور شد که از آن‌ها غافل مانده بودم. از دوست عزیز و نویسنده‌ام، آندرس فلیپه اسکوبار^۷، و همچنین از پیر مادلین^۸، والتین بال^۹ و فابین کاربونیو که به بهبود نسخه نهایی کتاب کمک کردند، تشکر می‌کنم.

در پایان، نگارنده ضمن سپاس از تمام افراد و سازمان‌های دیگری که در تهیه این کتاب اثرگذار بوده‌اند، این مقدمه را با این جمله به پایان می‌رساند که ما نیز موجودات به‌هم‌پیوسته‌ای هستیم که هستی ما از ارتباطات میان ما با دوستان، خانواده و کسانی که به آن‌ها عشق می‌ورزیم، شکل گرفته است؛ این افراد بخشی جدایی‌ناپذیر از وجود ما هستند که بدون آن‌ها نمی‌توانیم هستی خود را تعریف و تصوّر کنیم.

عمر فلیپه خیرالدو

سن کریستوبال لاس کاساس، چیپاس، مکزیک

1. Gustavo Esteva

2. Astrid Pinto Durán

3. Asociación Nacional de Agricultores Pequeños

۴. ارتش رهایی‌بخش ملی زاپاتیستا (Ejército Zapatista de Liberación Nacional). یک گروه چپ‌گرای انقلابی با فعالیت‌های شبه‌نظامی و سیاسی که در ایالت چیپاس در جنوب مکزیک تأسیس شده است. بدنه اصلی جنبش زاپاتیستا از افراد بومی ساکن در مناطق روستایی تشکیل شده است. زاپاتیستا خود را بخشی از جنبش ضدجهانی‌سازی و ضدنئولیبرالیسم می‌دانند و خواهان کنترل منابع محلی، به‌ویژه زمین به‌دست بومیان هستند (م).

5. Ingrid Toro

6. José Omar Giraldo

7. Andrés Felipe Escovar

8. Pierre Madelin

9. Valentín Val

press.um.ac.ir